

تأثیر امنیتی گسترش جغرافیایی ناتو بر امنیت ملی و کارکردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران

مجید دیوسالار^۱

علی اکبر خان محمدی^۲

چکیده

سازمان آتلانتیک شمالی که یک تشکل عمدتاً سیاسی به‌جامانده از زمان جنگ سرد است، به واسطه سهمی که رهبر آن یعنی آمریکا در نظام بین‌الملل دارد، باعث شده است همچنان خود را به عنوان قدرتی مطرح در عرصه جهانی مطرح کند. ناتو که شامل کشورهای غربی به رهبری آمریکا است، سعی می‌کند در جای‌جای جهان، حضور فیزیکی خود را حفظ کند. در این میان منطقه خاورمیانه و کشور ایران از جمله مناطقی است که این حضور قابل لمس و دارای حساسیت‌های ویژه‌ای است. به عبارتی با توجه به برنامه‌های ناتو جهت توسعه به شرق و نزدیک شدن به محیط جغرافیایی اطراف ایران و پیوند این سازمان با برنامه‌های نظامی آمریکا در جهت مداخله در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه، ناتو یک تهدید جدی برای ایران محسوب می‌شود. در این نوشتار با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی ابتدا سعی شده است، ضمن اشاره به ساختار ناتو به عنوان ترتیب امنیتی منطقه‌ای به تشریح نظریه رئالیست تهاجمی به عنوان دیدگاه تئوریک پرداخته شود و پس از آن تأثیر حضور ناتو بر امنیت منطقه‌ای بالاحص امنیت جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار گیرد. سوال اصلی در این پژوهش تأثیر راهبردهای جدید ناتو بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران است و فرضیه تحقیق نیز به این ترتیب است که؛ وسعت جغرافیایی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به کشورهای حوزه شرق، دغدغه امنیتی مهمی را نسبت به مأموریت‌های ناتو بر امنیت بین‌المللی کشورهای حوزه شرق بالاحص ایران به وجود می‌آورد.

واژگان کلیدی:

ناتو، امنیت ملی، امنیت بین‌المللی، سیاست خارجی

مقدمه

^۱ - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

^۲ - کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که ساخته و پرداخته سال‌های جنگ سرد است، پس از تحولات دهه ۹۰ با بحران موجودیت روبه‌رو شد و سران آن می‌دانستند که ساختار ناتو پاسخگوی تحولات بین‌المللی نیست. به عبارتی پایان جنگ سرد بسیاری از قواعد، هنجارها و رویه‌های ناتو را در راستای گسترش این سازمان تغییر داد (امینی و حسین خانی، ۱۳۹۲: ۱۹۲). از این رو با نقش جدید و تغییر یافته تهدیدها از کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی سابق به مسائل دیگری چون بنیادگرایی اسلامی، تروریسم و... لزوم تداوم حیات ناتو و گسترش حوزه جغرافیایی آن به سمت شرق به یک ضرورت تبدیل شد و بدون تردید مأموریت‌های جدید ناتو در عصر حاضر این دغدغه امنیتی را نسبت به اثر این مأموریت‌ها بر منافع و امنیت بین‌المللی کشورهای حوزه شرق بالاخص جمهوری اسلامی ایران که جغرافیای سیاسی کشورهای پیرامون آن همیشه تأثیر مهمی بر امنیت ملی آن داشته‌اند، افزایش می‌دهد (قامت، ۱۳۸۷: ۲۱).

طبیعی است که با حضور ناتو در فضای جغرافیایی اطراف ایران، سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیمان ناتو در تصمیم‌گیری‌های دفاعی ایران، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که در این راستا و در بررسی تهدیدهای ناتو نسبت به ایران می‌توان به این مسائل اشاره کرد که چنانچه گسترش ناتو تا مجاورت مرزهای ایران تحقق یابد توان نظامی منطقه را به ضرر ایران برهم می‌زند، زیرا با عضویت کامل کشورهای منطقه در ناتو توان نظامی آن‌ها در مقایسه با ایران افزایش چشمگیری خواهد یافت. به طور مثال چنانچه ایران با کشور یا کشورهایی در منطقه بر سر موضوعی اختلاف داشته باشد و این کشورها از حمایت ناتو برخوردار شوند یا در نهایت به عضویت ناتو درآیند به قدرت مانور بیشتری در پیشبرد نظریات خود در موضوع مورد اختلاف دست خواهند یافت؛ کاهش حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و کم شدن قدرت مانور ایران در این کشورها و تعیین ساختار امنیت منطقه‌ای بدون مشارکت ایران از عوارض مهم این گسترش است.

از آنجا که یکی از پیش شرط‌های عضویت هر کشوری در ناتو، تثبیت حاکمیت دموکراسی براساس اصول لیبرالیسم می‌باشد؛ طبیعی است که جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز برای عضویت در ناتو در جهتی گام بردارند که یکی از لوازم ضروری این امر پذیرش جدایی دین از سیاست است که در صورت تحقق چنین شرایطی ایران به عنوان حکومتی دینی در نقطه مقابل کشورهای منطقه قرار خواهد گرفت. درخصوص مجموعه تهدیدات اقتصادی نیز می‌توان به این امر اشاره کرد که گسترش ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز از ابعاد مختلف

می‌تواند امنیت اقتصادی ایران را تهدید کند. به طور مثال بعد از فروپاشی شوروی بازارهای جمهوری تازه تأسیس شمالی ایران، فرصت مناسبی پیش روی اقتصاد ایران برای حضور در این بازارها فراهم کرد اما حضور اقتصادی اعضای ناتو در منطقه به لحاظ آنکه توانایی اقتصادی بالایی نسبت به ایران دارند موجب کاهش پتانسیل رقابت اقتصادی ایران در منطقه شده و به تدریج حضور ایران در این بازار کم‌رنگ می‌شود.

علاوه بر این چنانچه روند توسعه اقتصادی ایران با مشکل مواجه شود، به معنی آن است که ایران در دستیابی به تکنولوژی پیشرفته با مانع مواجه است و از آنجا که سطح پیشرفت تکنولوژی در هر کشوری تأثیر مستقیمی بر توانایی‌های نظامی یک کشور می‌گذارد، بنابراین می‌توان گفت ایران برای تقویت و توسعه بنیه نظامی خود از فقدان تکنولوژی پیشرفته رنج می‌برد (قامت، ۱۳۸۷: ۲۲-۴۰).

درخصوص آمریکا نیز باید گفت که این کشور در استراتژی جهانی خود معتقد است، اگرچه رقابت‌های ابر قدرتی کاهش یافته و متعاقب آن مخاطرات امنیتی و تعهدات آمریکا نیز در بعضی جنبه‌ها کمتر شده است؛ اما مرزهای ناامنی آمریکا گسترش یافته است و به همین منظور ایالت متحده برای حضور و استیلای جهانی خود به مأموریت‌های جدید ناتو با تقویت بنیه دفاعی، تجهیزات پیچیده و مدیریت نوین برای مقابله با تهدیدات جدید متوسل شده است. بررسی دقیق تحرکات دوجانبه و چندجانبه کشورهای عضو این پیمان که در دیگر پیمان‌ها و گروه‌های مشترک نیز عضویت دارند (نظیر شورای امنیت - جی ۸ - کنفرانس امنیت و همکاری اروپا - اتحادیه اروپا - سازمان تجارت جهانی - صندوق بین‌المللی پول) این فرضیه را تقویت می‌کند که رویکرد و مأموریت‌های جدید ناتو در منطقه آسیای مرکزی - قفقاز - خاورمیانه و خلیج فارس می‌تواند زمینه ساز اقدامات سیاسی، امنیتی و مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران باشد (محمدی، ۳۰-۵۰: ۱۳۸۹). نکته قابل توجه اینکه مسئله تأثیر حضور ناتو بر امنیت بین‌المللی کشورها بالاخص ایران موضوعی است که از نگاه کارشناسان و پژوهشگران نیز هیچگاه دور نمانده است.

پیشینه تحقیق

مقاله «گسترش ناتو به شرق (آسیای مرکزی و قفقاز) و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نوشته دکتر جعفر قامت نیز به بررسی این نکته می‌پردازد که بدون تردید گسترش ناتو به شرق با توجه به نزدیک شدن به مرزهای ایران در آسیای مرکزی و قفقاز و

حضور آن در افغانستان، تأثیرات شگرفی را در مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... بر ایران خواهد داشت.

مقاله «تأثیر پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» نوشته حسین علایی هم به این امر اشاره می‌کند که حضور گسترده ناتو در فضایی جغرافیایی کشورهایمانند افغانستان و نیز شروع برخی مذاکرات همکاری میان ناتو و کشورهای جنوب خلیج فارس در اوایل سال ۱۳۸۷ واقعیتی مسلم و انکارناپذیر است و این وضعیت می‌تواند سناریوهای مختلفی را در حوزه امنیتی جغرافیای پیرامون ایران رقم بزند که قدر مسلم آن «خطر و تهدید بودن» حضور ناتو برای جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین ایران بایستی نسبت به مقاصد جدید این پیمان نظامی به اندازه کافی حساس بوده و طرح‌ها و برنامه‌های آن را زیر نظر داشته باشد (علایی، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱۵۸).

مقاله «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی» که توسط تحریریه نشریه صف (ماهنامه ارتش) تهیه شده است، به بررسی دوره تاریخی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و فلسفه وجودی تشکیل و ارکان این سازمان پرداخته و در آخر در چند سطر به بررسی تهدید ناتو در محیط امنیتی ایران می‌پردازد.

سوال و فرضیات

تحلیل مأموریت‌های جدید ناتو در چارچوب مسائل کشورهای حوزه شرق بالاحص ایران موضوع بسیار مهمی است که ضرورت مطالعه و انجام تحقیق فوق را نمایان می‌کند. سوال پیش رو این است که راهبردهای جدید ناتو در عصر حاضر چه تأثیری بر منافع و امنیت کشورها بالاحص ایران دارد؟ در جواب به این سوال فرضیه پژوهش به این صورت مطرح می‌شود که تغییر در مأموریت‌های گذشته ناتو و حرکت به سمت کشورهای حوزه شرق، این دغدغه امنیتی را نسبت به امنیت کشورها بالاحص جمهوری اسلامی ایران که جغرافیای سیاسی کشورهای پیرامون آن همیشه تأثیر مهمی بر امنیت ملی آن داشته‌اند، به وجود می‌آورد.

ادبیات تحقیق

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی که در آوریل سال ۱۹۴۹ به امضا رسید و در اوت همان سال فعالیت خود را شروع کرد، بعد از جنگ سرد، وظیفه اصلی خود یعنی دفاع جمعی را حفظ کرد (حسینی، ۲۰۰۶: ۱). این سازمان همواره در مرکز ثقل تصمیم‌گیری‌های دفاعی-

امنیتی حوزه آتلانتیک قرار داشته و با ایجاد نوعی همگرایی فراملیتی در عرصه نظامی به پایدارترین و باثبات‌ترین و نیرومندترین نظام امنیتی در تاریخ معاصر روابط بین‌الملل بدل گردید. (بابایی، ۱۳۷۸: ۴۳۹). هدف اولیه ناتو محافظت از آزادی و امنیت اعضای خود از نظر سیاسی و نظامی، ارتقای ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشر، حاکمیت قانون و تعمیم صلح و ثبات در منطقه اروپا و آتلانتیک اعلام شد. مطابق پیمان آتلانتیک شمالی، نقش اصلی ناتو، صیانت از آزادی و امنیت کشورهای عضو با استفاده از تمامی ابزارهای سیاسی- نظامی است. ناتو از ارزش‌های مشترک متحدان یعنی دموکراسی، آزادی‌های فردی، حاکمیت قانون و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات محافظت نموده و به بسط و ارتقای این ارزش‌ها در گسترده حوزه اروپا آتلانتیک می‌پردازد. یکی از نظریاتی که در مفاهیم روابط بین‌الملل به طور وسیع به بحث امنیت در حوزه وظایف ناتو پرداخته است، رئالیست تهاجمی می‌باشد.

رئالیست‌های تهاجمی دولت را بازیگرانی خردورز و کارگزاران اصلی در نظام بین‌الملل می‌دانند که عمده هدفش کسب قدرت به منظور دستیابی به امنیت برای تضمین بقای خود می‌باشد. در نگاه رئالیست‌های تهاجمی «قدرت نسبی» برای دولت‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا آناارشی دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت یا نفوذ نسبی خود را به حداکثر برسانند. رئالیست‌های تهاجمی نهادهای بین‌المللی را ابزار قدرت‌های بزرگ برای تسهیل در دستیابی به اهدافشان می‌دانند؛ به عبارت دیگر قدرت‌های بزرگ به نهادها شکل می‌دهند تا بتوانند سهم خود از قدرت جهانی را حفظ کنند و حتی آن را افزایش دهند. از نظر رئالیست‌های تهاجمی، قدرت‌های بزرگ و رقابت مستمر آنان با یکدیگر برای کسب قدرت، بیشتر سیاست‌های بین‌المللی را برای همیشه رقم زده است. هدف اولیه هر دولت به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت جهانی است، بدین معنا که قدرت‌های بزرگ با یکدیگر به رقابت می‌پردازند، اما نمی‌کوشند که به قدرتمندترین دولت تبدیل شوند، بلکه هدف غایی آنان تبدیل شدن به هژمون است، یعنی در سیستم، تنها باید یک قدرت بزرگ وجود داشته باشد. قدرت‌های بزرگ به ندرت، بر سر توزیع قدرت کنونی با یکدیگر رقابت می‌کنند و همواره انگیزه‌های مستمری را برای تغییر توزیع قدرت به نفع خود در ذهن می‌پروراند. آن‌ها تقریباً همیشه مقاصد تجدیدنظر طلبانه‌ای داشته‌اند و از زور برای جای‌گزین کردن موازنه قدرت استفاده می‌کنند.

قائلین به رئالیسم تهاجمی معتقدند که این وضعیت، قدرت‌ها را از جنگ و توسعه‌طلبی گریزان نمی‌کند، بلکه شرایطی را پدید می‌آورد که آنان هرگاه بتوانند برای افزایش نفوذ، قدرت و در نهایت هژمونی خود اقدام کنند؛ بنابراین در وضعیت آنارشی که ناامنی دائمی را به دنبال دارد، مهم‌ترین راه برای رسیدن به امنیت، افزایش قدرت و مقهور کردن دیگر دولت‌هایی است که ممکن است تهدیدی برای آن‌ها باشند؛ بنابراین با توجه به آنچه که مطرح گردید، می‌توان گفت متحدین (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) وقتی با دشمن مشترک (ایران) روبه‌رو شوند و بقایشان را تهدید کند همکاری بر اساس دشمن مشترک در شرایط خاص شکل خواهد گرفت.

ناتو در جایگاه ترتیب امنیتی منطقه‌ای

تحولات عمیق سال‌های آغازین هزاره جدید میلادی در خاورمیانه، این پرسش را در اذهان به وجود آورد که ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت مسلط نظام بین‌الملل و مهم‌ترین بازیگر مداخله‌گر در امور خاورمیانه به چه شکلی در امنیت‌سازی منطقه ایفای نقش خواهد داشت؟

در سال‌های اخیر نیز سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با خواست و اراده واشنگتن وارد خاورمیانه شده است. آنچه در چشم‌انداز خاورمیانه مسلم به نظر می‌رسد، نقش این سازمان در فرایند امنیت‌سازی منطقه‌ای است. خاورمیانه بنا به دلایل متعددی برای آمریکا اهمیت فراوان دارد. این منطقه در سال‌های اخیر بیش‌ترین توان و انرژی دستگاه نظامی و دیپلماسی ایالات متحده را به خود معطوف ساخته است. آنچه در این میان اهمیت دارد، کیفیت نظم و امنیت منطقه است. براین اساس ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کند نظام امنیت منطقه‌ای به گونه‌ای شکل بگیرد که بیش‌ترین اهداف مورد نظر حاصل آید. راهبرد ایالات متحده آمریکا برای شکل‌دهی به امنیت خاورمیانه، ورود ناتو به منطقه و پذیرش کشورهای خاورمیانه‌ای در سازمان مذکور است (پگاه حوزه، ۱۳۹۰).

انجام دو عملیات وسیع نظامی آمریکا علیه افغانستان و عراق در برهه زمانی کمتر از یکسال و تلاش و حضور روزافزون بازیگران مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی در این منطقه استراتژیک باعث شده است، معادلات جدید امنیتی و سیاسی در سطح منطقه شکل گیرد و در نتیجه صحنه امنیت بین‌الملل نیز به طور اساسی متحول شود.

در این میان دولت آمریکا با کنار گذاشتن سیاست حفظ وضع موجود و با توسل به ابزارهای نظامی، سیاست منطقه‌ای خود را به صورت یکجانبه پیش می‌برد و در صدد تغییر نقشه

سیاسی و استراتژیک منطقه خاورمیانه و جنوب غرب آسیا براساس منافع خود است، به طوری که کارشناسان، بحران افغانستان و تحولات اخیر عراق را آغاز این روند در منطقه می‌دانند و معتقدند آمریکا همچنان به اجرای سیاست‌های خود در این زمینه ادامه خواهد داد. همچنین با توجه به اینکه امکانات ضعیف سیاسی و نظامی بیشتر کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، امکان ایجاد هماهنگی با قدرتهای موثر منطقه ای برای شکل دهی به نظام نوین مورد نظر آمریکا در این بخش از دنیا چندان دور از دسترس نیست (جاویدنیا، ۱۳۸۶).

تجزیه و تحلیل

تأثیر حضور ناتو بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

در فضای آنارشیک نظام بین الملل یکی از مسائلی که به دغدغه اصلی تمامی کشورها تبدیل شده است، موضوع امنیت و چگونگی پیش‌گیری از خطراتی است که تمامیت ارضی و منافع دولت‌ها را تهدید می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز به واسطه قرار گرفتن در «جغرافیای تهدید» هیچ‌گاه از بحث چگونگی تأمین امنیت خود فارغ نبوده است.

روند گسترش ناتو به سمت شرق که تهدیدات فرامنطقه ای آمریکا دلیلی بر این ادعاست که هیچ‌گاه محیط امنی بر نظام جمهوری اسلامی ایران شکل نگرفته است و در این راستا باید به نقش بارز راهبرد بازدارندگی به عنوان عنصر اصلی در راهبرد نظامی ایران اشاره کنیم.

روند گسترش ناتو به سمت اروپای شرقی و آسیای مرکزی و قفقاز بیانگر این امر است که یکی از اهداف مهم آن‌ها و در رأس آن ایالات متحده آمریکا، کنترل و محدود کردن جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک کشور مهم منطقه، در دکترین نظامی خود همواره مخالف حضور قدرتهای بزرگ در منطقه بوده و معتقد است که کشورهای منطقه خود باید با همکاری متقابل و به دور از هرگونه مداخله و حضور قدرتهای بزرگ امنیت خودشان را تأمین نمایند و از آنجا که ایران در رویکرد جدید ناتو به عنوان بازیگر تهدیدساز شناخته شده است و همانطور که سازه انگاران معتقدند، بازیگران براساس نوع نگاه و برداشتی که از یکدیگر دارند مرز میان خودی و دیگری را تعیین می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۶)؛ جمهوری اسلامی ایران هم به عنوان یک کشور مخالف سیاست قدرتهای بزرگ و هم چنین به دلیل دارا بودن ایدئولوژی و رویکرد متفاوت با غرب و اعضای پیمان از آن‌ها به عنوان دشمن و رقیب خطرناک یاد می‌کند. از این رو

ضرورت دارد تا جایگاه ایران در رویکردهای جدید امنیتی ناتو و متغیرهایی که سطح بازدارندگی دفاعی ایران را در راستای گسترش ناتو به سمت شرق بیان می‌کند، مورد بررسی قرار گیرد.

در این راستا و با تأکید بر این امر که حرکت در جهت ایجاد بازدارندگی همه جانبه و افزایش توانمندی‌های نظامی و دفاعی برای ایران، بدون شک یکی از مهم‌ترین محورهای راهبرد امنیتی برای مقابله با تهدیدات می‌باشد؛ در بررسی ابعاد مختلف گسترش ناتو به سمت شرق نیز مولفه‌های بازدارندگی دفاعی ایران را می‌توان در قالب موارد ذیل برشمرد:

برآورد تهدید در بدترین حالت

تأکید بر راهبرد دفاعی همه جانبه مردمی

استفاده از توانمندی‌های تسلیحاتی پیشرفته

به‌کارگیری قدرت هوافضا

تولید الگوهای بومی عملیاتی

تولید قدرت در محیط آسیب‌های دشمن

تأکید بر محاسبه ناپذیری ایران در پاسخ‌گویی به هر نوع اقدام

انتقال این پیام به دشمن که هرگونه حمله یا تحرک علیه ایران موجب پاسخ محکم و جدی ایران خواهد شد.

تأکید بر حفظ و تعمیق حوزه نفوذ منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری جدی‌تر در این زمینه
- تأکید جمهوری اسلامی ایران بر استراژی تهاجمی در منطقه (مومن زاده، ۱۳۹۲:

۱۷۸-۱۷۷).

جایگاه جمهوری اسلامی ایران در رویکرد نوین امنیتی ناتو

ایالات متحده آمریکا با فروپاشی شوروی سابق تنها ابرقدرت جهان گردید. برخی معتقدند که از دهه ۷۰ میلادی به این سو به دلیل کاهش قدرت اقتصادی این کشور از توان تأثیرگذاری آمریکا در مسائل بین‌الملل کاسته شده است (لارسون و اسکید مور، ۱۳۷۶: ۱۴۰)، ولی از نظر نویسندگان عوامل ایجادکننده قدرت یک کشور تنها اقتصادی نیستند بلکه قدرت از اقسام مختلفی چون نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اطلاعاتی و ارتباطی که به نظر می‌رسد مورد آخری اهمیت بیشتری در سنجش قدرت یک کشور در دهه‌های آتی خواهد داشت، تشکیل شده است. آمریکا به دلیل قدرت چهاربعدی خود هم‌چنان نقش اول را در نظام بین‌الملل بازی می‌کند. در واقع برای بیش از نیم قرن پس از جنگ جهانی

دوم ایالات متحده آمریکا بر جهان سیاست حاکم بوده و نهادهای بین‌المللی موجود نیز انعکاس همین واقعیت است. آمریکای متولد شده پس از جنگ جهانی دوم نظام بین‌المللی مورد نظر خود را از طریق حکمرانی قابل توجه نهادهای مختلفی نظیر سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و ... در بعد اقتصادی و اتحادهای امنیتی منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف، مستقر و تقویت نموده است. تحولات پایان جنگ سرد این برتری شکل گرفته آمریکا را به شدت تقویت نمود.

در سراسر این دوران اروپای غربی متحد آمریکا باقی ماند. ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی آمریکا و اروپای غربی مشترکاً حتی در شرایطی که دوران استعمار مستقیم پایان یافته بود، هم چنان بر جهان سایه انداخته بود. این رابطه یا روابط فرآتلانتیکی به مرکز ثقل ژئوپلیتیکی و کارکرد سیستم جهانی بدل گشته و به معنای واقعی کلمه، امریکا و غرب قواعد بازی اقتصادی و سیاسی و نهادهای بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم را دیکته کردند (قالیباف، ۱۳۹۱: ۷۴). علاوه بر این یکی از راه‌های ارزیابی قدرت یک کشور مقایسه قدرت آن با دیگر قدرت‌ها و بررسی جایگاه آن در نظام بین‌الملل می‌باشد. بی‌همتایی قدرت نظامی آمریکا در کنار قدرت اقتصادی قابل توجه این کشور در محیط بین‌الملل بعد از جنگ سرد در مجموع توان تأثیرگذاری سیاسی آن را افزایش داده است (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۱۹۴).

از دید رهبران آمریکا یکی از کشورهایی که توان به چالش کشیدن جایگاه این کشور را دارد، جمهوری اسلامی ایران است. از نگاه آن‌ها ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران با پیروی از اندیشه‌های دینی و اسلامی درصدد به چالش کشیدن هژمونی آمریکاست و از دید آمریکایی‌ها جمهوری اسلامی ایران به عنوان چالش‌گر اصلی سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی آمریکا در منطقه می‌باشد. از این رو با استفاده از راهبردهای مختلف از جمله انعقاد قراردادهای امنیتی با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و ایجاد پایگاه‌های نظامی در آسیای مرکزی و قفقاز درصدد مقابله با ایران و به انزوا کشیدن این کشور می‌باشند (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).

تأثیر مأموریت‌های ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

عناصر چهارگانه «انرژی - قلمرو ژئوپلیتیک - فضای ایدئولوژیک و فناوری هسته‌ای» به همان میزان که از مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شوند، به معنای تهدیدات بالقوه برای امنیت ملی نیز می‌باشند. مرزهای مشترک ایران با ۱۵ کشور همسایه که هریک به گونه‌ای با چهار مؤلفه فوق ارتباط دارند، از اهمیت ویژه‌ای برای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به طور اهم و ایالت متحده آمریکا به طور اخص برخوردار است.

دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب ایران محلی برای تأمین و عبور انرژی، حائز اهمیت ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک و همچنین قلمرو گسترش فناوری هسته‌ای تلقی می‌شوند. به همین منظور تمرکز پیمان آتلانتیک شمالی بر خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز برای کنترل و مدیریت این مؤلفه‌های قدرت، جدی است؛ بنابراین سیاست نگاه به شرق این پیمان و گسترش ناتو پیرامون مرزهای جمهوری اسلامی ایران، فضای تنفس و استراتژیک ما را محدود و محصور می‌کند و این نظر ژئوپلیتیک جدید برژینسکی را که معتقد است: «نقطه کلیدی روی صفحه شطرنج جهانی، آسیای مرکزی و قفقاز است» را تأیید می‌کند.

گسترش ناتو یکی از مهم‌ترین موضوعات دستور کار ناتو پس از جنگ سرد است. به عبارتی فروپاشی کمونیسم و اضمحلال نهایی اتحاد جماهیر شووی منجر به یک خلأ قدرت در اروپا و ظهور شماری از دولت‌های ضعیفی شد که می‌توانستند برای ثبات اروپا تهدیداتی را به وجود آورند. بلافاصله پس از جنگ سرد این نیاز به وجود آمد که ساختارها و سازوکارهایی پدید آید تا تکامل دموکراتیک کشورهای عضو پیمان ورشو سابق تقویت گردد. نشست رهبران ناتو در ژانویه ۱۹۹۴ در بروکسل گام نخست برای گسترش ناتو در دوران پس از جنگ سرد بود (مدکالف، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

تحولات گسترده‌ای در مفاهیم، مأموریت‌ها، ساختار و استراتژی ناتو در دو دوره پس از دوران جنگ سرد ۱۹۸۹ و واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به وقوع پیوسته است؛ از جمله در بند ۳۱ سند مفهوم جدید استراتژیک ناتو که به مناسبت پنجاهمین سالگرد ناتو تصویب شد ارائه تعاریف جدیدی از مفاهیمی نظیر «دفاع از ارزشهای مشترک» «امنیت جمعی» و «تهدیدات جدید» را برای مأموریت‌های جدید فرآتلانتیکی ناتو اساسی دانست.

تهدیداتی نظیر تروریسم، ناسیونالیسم افراطی، مواد مخدر، بی‌ثباتی سیاسی، منازعات قومی، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، قاچاق تسلیحات و مهاجرت بی‌رویه که تعهد دولت‌های عضو ناتو برای تأمین امنیت در برابر این تهدیدات را افزایش می‌دهد.

آمریکا در استراتژی جهانی خود معتقد است. «اگرچه رقابتهای ابر قدرتی کاهش یافته و متعاقب آن مخاطرات امنیتی و تعهدات آمریکا نیز در بعضی جنبه‌ها کمتر شده است؛ اما مرزهای ناامنی آمریکا گسترش یافته است». به همین منظور ایالت متحده برای حضور و استیلای جهانی خود به مأموریت‌های جدید ناتو با تقویت بنیه دفاعی، تجهیزات پیچیده و مدیریت نوین برای مقابله با تهدیدات جدید متوسل شده است.

مأموریت‌های جدید ناتو (حتی به‌عنوان اقدامات خارج از صلاحیت این پیمان به لحاظ حقوقی) و انجام این مأموریت‌ها خارج از قلمرو سنتی در ارتباط با موضوعات جدید، این دغدغه امنیتی را نسبت به اثر این مأموریت‌ها بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران افزایش می‌دهد (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۵).

بررسی دقیق تحرکات دوجانبه و چندجانبه کشورهای عضو این پیمان که در دیگر پیمان‌ها و گروه‌های مشترک نیز عضویت دارند (نظیر شورای امنیت - G8 - کنفرانس امنیت و همکاری اروپا - اتحادیه اروپا - سازمان تجارت جهانی - صندوق بین‌المللی پول) این فرضیه را تقویت می‌کند که رویکرد و مأموریت‌های جدید ناتو در منطقه قفقاز، خاورمیانه و خلیج فارس می‌تواند زمینه ساز اقدامات سیاسی، امنیتی و مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران باشد؛ بنابراین گسترش حریم امنیتی و اتخاذ راهبردی که متضمن منافع و امنیت ملی کشور باشد از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. خصوصاً که ایران چشم انداز ۲۰ ساله خود را مبدل شدن به اول قدرت منطقه اعلام نموده است؛ و این امر تمرکز ناتو بر چهار عنصر انرژی - فضای ایدئولوژیک - قلمرو ژئوپلیتیک و فناوری هسته‌ای یعنی مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران را به شدت افزایش می‌دهد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰-۱۸).

به عبارتی سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که یک تشکل عمدتاً سیاسی به‌جامانده از زمان جنگ سرد است، به واسطه سهمی که رهبر آن، یعنی آمریکا، در نظام بین‌الملل دارد؛ باعث شده است همچنان خود را به عنوان قدرتی مطرح در عرصه جهانی مطرح کند. این سازمان که شامل کشورهای غربی به رهبری آمریکاست، سعی می‌کند در جای‌جای جهان، حضور فیزیکی خود را حفظ کند. در این میان، منطقه خاورمیانه و کشور ایران از جمله عمده مناطقی است که این حضور برایش قابل لمس و دارای حساسیت‌های ویژه‌ای است. بر این

مبنا، سیاست‌های ناتو در برخی موارد، طبق اعلام خود این سازمان، مستقیم یا غیرمستقیم، تحت تأثیر عملکرد ایران بوده است.

چالش‌های امنیتی حضور ناتو بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

باگسترش ناتو به شرق، جمهوری اسلامی ایران با دو چالش جدی مواجه می‌گردد، این دو چالش هم در بعد نظامی و هم در بعد غیرنظامی (ناتوی فرهنگی) می‌باشد. با توجه به ساختار ناتو که یک نهاد همگرای نظامی می‌باشد ضرورتاً همگرایی سیاسی را سبب شده است. پس همگرایی سیاسی مطابق نظریه وابستگی متقابل از یک موضوع به موضوع دیگر سرایت خواهد کرد و همکاری نظامی و سیاسی در نهایت منجر به همکاری تجاری و اقتصادی نیز می‌گردد.

همان طور که بیان شد در حال حاضر ناتو در حال تغییر کارکرد و موضع نسبت به سال ۱۹۴۹ می‌باشد. در ابتدا ناتو جهت حفظ امنیت در مرزهای اروپایی تأسیس گردید و کارکرد این نهاد، کارکرد امنیتی بود، اما با تغییر و تحولات نیم قرن و اندی گذشته از تأسیس این نهاد نظامی، کارکرد آن تغییرات اساسی داشته است، ورود ناتو به منطقه خاورمیانه و اساساً به شرق، بسیاری از کشورها از جمله ایران را با چالش‌های جدی مواجه کرده است و این چالش‌ها هم در بعد نظامی و هم در بعد غیرنظامی است. همکاری‌های روسیه در زمینه‌های نظامی - سیاسی باعث شده است تا روسیه به تدریج وارد سازمان تجارت جهانی شود و در نتیجه ماهیت تهدید نسبت به جمهوری اسلامی ابعاد غیرنظامی و سیاسی هم به خود گرفته است، چرا که همسایگان ما قراردادهای و پیمان‌هایی را برای کشورهای عضو ناتو منعقد خواهند کرد.

از سوی دیگر، باز هم در شمال ایران کشورهایی وجود دارند که تمایلات زیادی برای حضور در ناتو دارند، چنان که هم اکنون نیز بسیاری از جمهوری‌های تازه استقلال یافته، پایگاه‌های خود را در اختیار ایالات متحده قرار داده‌اند. در مرزهای باختری جمهوری اسلامی، دولت عراق و ترکیه همواره مایه نگرانی دائمی هستند و با حمله آمریکا و انگلیس به عراق، جناح غیر اروپایی ناتو در غرب کشور ما مستقر گردیده است. البته در شرایط کنونی با روی کار آمدن دولت شیعی نوری المالکی نگرانی‌های جمهوری اسلامی نسبت به این کشور کمتر شده و امید آن می‌رود با اتحاد و برابری با شیعیان عراق این نگرانی‌ها به حداقل برسد؛ اما در ترکیه این موضوع کاملاً متفاوت جلوه می‌کند. هر چند با روی کار

آمدن حزب اعتدال و توسعه به رهبری عبد الله گل - که از لحاظ مذهبی مسلمان می‌باشد - نگرانی‌های کمتری انتظار می‌رود، ولی نباید فراموش کرد که همواره ترکیه متحد اصلی و استراتژیک اسرائیل در منطقه محسوب می‌گردد و همواره ترکیه و اسرائیلی‌ها خود را در منطقه غریب و نامتجانس با هویت‌های منطقه دیده و با یکدیگر عقد اخوت و برادری بسته‌اند. در مرزهای شرقی همواره دو نگرانی از دو جنس متفاوت پیش روی ما قرار دارد. در مورد افغانستان چه در زمانی که طالبان بر این کشور حکمرانی می‌نمودند و همواره خطر تروریسم در این منطقه موج می‌زد و چه بعد از سقوط طالبان که نیروهای ناتو در افغانستان حضور داشته و عملاً احاطه کامل به شرق مرزهای جمهوری اسلامی دارند. در مورد پاکستان لازم به ذکر است که این کشور یک قدرت اتمی بوده و بعد از کودتای سال ۱۹۹۹ و با روی کار آمدن پرویز مشرف که فردی نزدیک به ایالات متحده می‌باشد، همواره این خطر از جانب این کشور، ایران را تهدید می‌نماید.

و در نهایت در جنوب، حضور مستمر نیروهای امریکایی در خلیج فارس، وجود پایگاه‌های امریکا در کویت و قطر همواره موجب نگرانی‌های امنیتی جمهوری اسلامی تلقی می‌گردد. اختلاف مرزی ایران با امارات متحده عربی بر سر جزایر سه گانه، گستاخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که گاه با شیطنت‌های مغرضانه از عنوان مجعول خلیج عربی حوزه خلیج فارس استفاده می‌نمایند، همواره موجبات تهدید امنیتی و ملی ما تلقی می‌گردند. به طور مشخص می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران اکنون در چند جبهه با سازمان آتلانتیک شمالی به صورت دو فاکتور همسایه شده است.

الف) عضویت ترکیه در ناتو که در همه عملیات‌های ناتو در دهه ۱۹۹۰، از جمله حملات متعدد انگلستان و امریکا به عراق و حملات ناتو علیه یوگسلاوی بدون توجه به مشروعیت یا عدم مشروعیت حقوقی حملات مذکور، امکانات و پایگاه‌های خویش را به طور کامل در اختیار هم پیمانانش قرار داده است.

به طور کلی از عوامل حضور آشکار و پنهان ناتو در مرزهای ایران می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ب) ایجاد مناطق ممنوعه پروازی در شمال و جنوب عراق که این همسایه غربی ایران را در آستانه خطر تجزیه قرار داده است و حمله مکرر به آن کشور توسط اعضای درجه اول ناتو که بدون مجوز شورای امنیت و بدون توجیه حقوقی و به هر بهانه ای صورت گرفته است.

ج) حضور نظامی تمام اعضای درجه اول ناتو در خلیج فارس و دریای عمان و پیمان‌های دفاعی متعدد آنان با همسایگان جنوبی ایران و آغاز همکاری‌های نزدیک و در حال توسعه ناتو با کشورهای مستقل مشترک المنافع در شمال ایران به ویژه روابط رو به گسترش ناتو با جمهوری آذربایجان (شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۸).

در نهایت اینکه مروری گذرا بر سیاست‌ها و اقدامات کشورهای عضو ناتو در ارتباط با ایران به ویژه دخالت و حملات مکرر نیروهای آمریکا به امکانات نظامی و مراکز اقتصادی این کشور به ویژه در خلیج فارس، حمایت مالی و تسلیحاتی آنان از عراق در جنگ علیه ایران، حمایت‌های اکثر اعضای اصلی ناتو از گروه‌های مخالف ایران، حمایت آنان از ادعاهای ارضی امارات متحده عربی بر جزایر ایرانی در خلیج فارس، استفاده آنان از موضوع حقوق بشر در ایران به عنوان یک اهرم فشار سیاسی، تعاملات آنان مبنی بر تولید سلاح‌های کشتار جمعی در ایران و حمایت ایران از اقدامات نروژیستی در جهان و ... بیانگر سیاست آنان مبنی بر اعمال فشار سیاسی- نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است. از سوی دیگر توجه به تحولاتی نظیر تحریم اقتصادی و بلوکه کردن دارایی و اموال ایران توسط ایالات متحده، جلوگیری از عبور لوله‌های نفت و گاز کشورهای آسیای میانه، اعمال فشار آمریکا و سایر اعضای برتر ناتو به روسیه، چین، آرژانتین، لهستان و چند کشور اروپای شرقی با هدف محدود ساختن فروش فناوری نظامی با کاربرد دوگانه به ایران، استنکاف آلمان از اجرای طرح نیروگاه هسته‌ای بوشهر و... طیف وسیعی از فشارهای اقتصادی ناتو علیه جمهوری اسلامی ایران را به تصویر می‌کشند.

توجه به ابعاد وسیع اقدامات تهدیدآمیز اکثر اعضای ناتو علیه منافع ملی کشور جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته، مدنظر قرار دادن سیاست‌های توسعه طلبانه اعضای آن سازمان در نقاط مختلف جهان، ضرورت هوشیاری نسبت به فعالیت‌ها و اقدامات ناتو در جهان به ویژه در خاورمیانه و آسیای میانه و برنامه‌ریزی برای مقابله با تهدیدهای آن نسبت به منافع ملی ایران همچنین انجام اقدامات ضروری برای کاهش آثار منفی سیاست‌ها و اقدامات ناتو بر استقلال سیاسی- اقتصادی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، امنیت ملی، همبستگی اجتماعی و ارزش‌های ملی مذهبی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران را به طور جدی مورد تأکید قرار می‌دهد. در این راستا انجام مطالعات جامع درباره اهداف، ساختار، سیاست‌ها و استراتژی‌ها و قابلیت‌های ناتو در زمینه‌ها و مناطق مختلف جهان به ویژه در

ارتباط با ایران اولین و در عین حال اساسی‌ترین و ضروری‌ترین اقدام به نظر می‌رسد (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

یافته‌ها

ملاحظات امنیتی- دفاعی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گسترش ناتو به شرق ظهور منطقه آسیای مرکزی به عنوان یک زیرسیستم مستقل منطقه‌ای، نگرانی‌ها و تهدیدات مشترکی را در حوزه امنیتی، فراروی کشورهای این منطقه به ویژه جمهوری اسلامی ایران قرار داده است که فائق آمدن بر آن، جز از طریق گسترش همکاری با کشورهای منطقه از جمله ایران میسر نخواهد بود.

در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی چند بعدی و تنگاتنگ دارند. در این میان، به نظر می‌رسد دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار چالشی اساسی‌تر باشد که باعث تحریک دو مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم و افراط‌گرایی و نیز گسترش نفوذ و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشد. از سویی دیگر تولد نهاد نوپای سازمان همکاری‌های شانگهای با محوریت روسیه و چین در آسیای مرکزی و گسترش ناتو به شرق به عنوان یک نهاد نظامی باید از مهم‌ترین موضوعات بین‌المللی و نگران‌کننده برای ایران باشد که گسترش همکاری نظامی بین ایران با تک تک کشورهای منطق آسیای مرکزی را معنادار می‌کند. در این رابطه، ایران می‌تواند ضمن گسترش گفت‌وگوهای امنیتی با مقامات سیاسی و نظامی سازمان همکاری شانگهای در راستای هرچه نزدیک شدن دیدگاه‌های طرفین در حوزه‌های مختلف امنیتی، به ویژه تعیین مصادیق تهدیدات امنیتی کوشش کند. بدون شک ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود، می‌تواند به عنوان محور اتحاد امنیتی در آسیای مرکزی نقشی مهم و تأثیرگذار ایفا نماید. درک این باور که امنیت هر یک از کشورها وابسته به امنیت کشورهای دیگر در این منطقه است، می‌تواند به شکل‌گیری نظام امنیتی پایدار در این منطقه بیانجامد. مواردی از قبیل اتخاذ رویکرد امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت این کشورها در جهت حل و فصل چالش‌ها و معضلات امنیتی، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و پیش‌گیری از پدیدآمدن تنش‌ها و چالش‌ها، محدود ساختن نفوذ و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در نظام امنیتی منطقه و تأکید بر مشترکات و توسعه همگرایی فرهنگی با توجه به زمینه‌های

فرهنگی مشترک برای بسترسازی و شکل‌گیری یک اتحاد امنیتی و دفاعی منطقه‌ای پیشنهاد می‌گردد (وٹوقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۲۸).

این واقعیت انکارناپذیر است که همسایگی ما با ناتو که از طریق ترکیه و در قالب پیمان سنتو نیم قرن قدمت دارد و زمینه پیوند ایران با این سازمان را فراهم آورده وارد مرحله نوینی شده است. حضور ناتو در افغانستان و عراق و نیز در کشورهای آسیای مرکزی موجب شده سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی این سازمان از اهمیت ویژه‌ای در تصمیم‌گیری‌های دفاعی ایران برخوردار شود.

تغییر نگاه تدافعی این سازمان به امور بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های تهاجمی و نگاه جدید امنیتی به مسائل منطقه‌ای و جهانی و تلاش این سازمان برای نهادسازی دموکراتیک با هدف برقراری امنیت مورد نظر اعضای آن باعث شده است که هر عاملی که بتواند از بعدی هرچند محدود، امنیت جمعی اعضا یا هم‌پیمانان این سازمان را به خطر اندازد، زمینه ساز حضور نظامی و سیاسی ناتو در آن عرصه گردد (عزتی، ۱۳۸۸: ۳).

باتوجه به شرایط فعلی، دو رویکرد کلان نیز از سوی ایران در قبال ناتو قابل تصور است؛ نادیده گرفتن ناتو و حضور آن در همسایگی کشور یا حتی در مرحله‌ای بالاتر، دشمنی ناتو؛ و دیگری توجه به واقعیات برای تأمین بهتر منافع ملی. یعنی دیدن واقعیات ولی نه تسلیم محض شدن در مقابل آن‌ها و نه تقابل کورکورانه با آن‌ها. رویکرد دوم بیشتر بیانگر روابط ایران و ناتو باید بر اساس واقعیات‌های منطقه ای می‌باشد

با توجه به پیوند دیرینه ترکیه و ناتو، همکاری ناتو با روسیه در قالب شورای دائمی روسیه - ناتو و همکاری پاکستان با این سازمان تحت عنوان «متحد غیر عضو ناتو» روابط ایران و ناتو نیازمند تعریفی جدید است (کولایی، ۱۳۸۷). در ارتباط با الگو آینده تعاملات ایران و ناتو نیز موارد ذیل قابل تأمل است:

۱. حضور پیمان آتلانتیک شمالی در حوزه‌های مرزی و تعاملی عمده جمهوری اسلامی ایران که تحت عنوان گسترش ناتو به شرق و کارکردهای جدیدی همچون مبارزه با تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و تأمین امنیت انرژی پس از ۱۱ سپتامبر محسوس‌تر گردیده است؛ ناتو و ایالات متحده و اکثریت کشورهای اتحادیه اروپا را طبق یک معادله تصنعی ژئوپلتیک در همسایگی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

۲. حضور ناتو در اکثریت نقاط حساس خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز، افغانستان، عراق، ترکیه و حوزه مدیترانه تهدیداتی را برای ایران به ارمغان خواهد آورد. این امر اهمیت جایگاه

ژئوپلیتیکی و تعاملات سیاست خارجی ایران و همچنین نوع تعامل آن با سازمان‌های بین‌المللی را با تحولاتی مواجه خواهد می‌کند (ملکی، ۱۳۸۶). بنابراین ایالات متحده آمریکا در صدد است با گسترش نقش اروپایی ناتو و دادن هویت اروپایی به آن مأموریت جمعی دفاع اروپایی را به ناتو واگذار کند تا اتحادیه اروپا نسبت به امکانات ناتو و نقش آن امیدوارتر سازد (میناوند، ۱۳۸۵). البته با توجه به پیچیدگی روابط کشورهای اتحادیه اروپا و ناتو نمی‌توان به راحتی از تأثیر حضور ناتو بر تعاملات آینده ایران با اتحادیه اروپا و ناتو نمی‌توان به راحتی از تأثیر حضور ناتو بر تعاملات آینده ایران با اتحادیه اروپا سخن گفت؛ اما انتظار می‌رود همکاری ایران و ناتو در افغانستان موجب ارتقای ارتباطات نهادی، اعتماد و روابط مشترک میان ایران و غرب و بیشتر از مه روابط ایران و اتحادیه اروپا گردد.

منابع

- برژینسکی، زیبگنیو (۱۳۸۶)، انتخاب (سلطه یا راهبری)، ترجمه امیر حسین نوروزی، تهران، نشر نی.
- حسینی، حسن (۱۳۸۴). طرح خاورمیانه بزرگ‌تر (القاعده و قاعده در راهبرد امنیت کلی آمریکا). تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عزتی، عزت‌ا... (۱۳۸۲). ژئوپلیتیک در قرن ۲۱. تهران: سمت.
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۹۱)، برنامه راهبردی دیپلماسی از برنامه پیشرفت و عدالت، تهران، نگارستان حامد.
- لارسون، دیوید و توماس اسکیدمور (۱۳۷۶)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی نژاد، تهران، انتشارات قومس.
- مدکالف، جنیفر (۱۳۹۲)، ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی)؛ گذشته، حال و آینده، ترجمه عسگر قهرمانپور، بناب، انتشارات خرسندی.
- محمدی، محمود (۱۳۸۹)، اثر مأموریت‌های جدید ناتو بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- امینی، آرمین و الهام حسین خانی (۱۳۹۲). نقش ناتو در گسترش جامعگان اروپای غربی. فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی. سال اول. شماره سوم.
- بابایی، غلامرضا (۱۳۷۸)، ایالات متحده، ناتو و بحران بالکان، مجله سیاست خارجی. شماره ۴۳۹، ۲.

باقری دولت آبادی، علی (۱۳۹۲). نقش عنصر بازدارندگی در راهبرد نظامی ایران. مجله سیاست دفاعی. سال بیست و دوم. شماره ۸۵.

پگاه حوزه (۱۳۹۰). ناتو و توازن امنیت در خاورمیانه، شماره ۳۱۱.

جاویدنیا، کیومرث (۱۳۸۶). ناتو و چشم انداز تحولات نوین امنیت منطقه ای، خبرگزاری فارس. شیرازی، محسن (۱۳۸۶)، ناتو و گسترش به شرق؛ پیامدهای امنیتی برای ایران. مجله پگاه حوزه، شماره ۲۲۸، ۳۰-۲۸.

علایی، حسین (۱۳۸۸). تأثیر پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران. سال هفتم. شماره ۲۳. قامت، جعفر (۱۳۸۷)، گسترش ناتو به شرق (آسیای مرکزی و قفقاز) و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله دانشنامه، ۴۰-۲۱.

کولایی، الهه (۱۳۸۷). ناتو در همسایگی ایران: نگاهی به چگونگی گسترش بزرگ‌ترین سازمان نظامی جهان. روزنامه اعتماد.

ملکی، عباس (۱۳۸۶). سناریوهی برای مقابله با راهبردهای پیچیده آمریکا. روزنامه اعتماد ملی.

مومن زاده، رضا (۱۳۹۲). بازدارندگی دفاعی جدید جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه دفاع مقدس. سال دوم. شماره ۷.

میناوند، محمدقلی (۱۳۸۵). ایران و اتحادیه اروپا، کنکاشی در سیاستگذاری ها. مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

و ثوقی، سعید و سید جواد امام جمعه زاده و مجید دیوسالار (۱۳۹۰). جمهوری اسلامی ایران و ترتیبات امنیتی منطقه ای در آسیای مرکزی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۲، ۲۳۱-۲۲۸

جعفری، حمید (۱۳۸۹)، گسترش ناتو به شرق و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد.

خان محمدی، علی اکبر (۱۳۹۴). تأثیر حضور ناتو بر امنیت بین‌المللی (مطالعه موردی: امنیت جمهوری اسلامی ایران). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی آیت الله آملی